



## Investigating the lived experiences of successful students with poor social and economic status

Moein Sadeghi<sup>1</sup> | Jahangir Karami<sup>2</sup> | Khodamorad Momeni<sup>3</sup>

1. Corresponding Author, Investigating the lived experiences of successful students with poor social and economic status. E-mail: [sadeghi.moein20@gmail.com](mailto:sadeghi.moein20@gmail.com)
2. master of educational psychology, Razi Kermanshah university. E-mail: [j.karami@razi.ac.ir](mailto:j.karami@razi.ac.ir)
3. Associate Professor, Department of Psychology, Faculty of Social Sciences, Razi University, Kermanshah, Iran. E-mail: [kh.momeni@razi.ac.ir](mailto:kh.momeni@razi.ac.ir)

### Article Info

#### Article type:

Research Article

#### Article history:

Received 18 February 2022

Received in revised form 8

August 2023

Accepted 2 September 2023

Published online 20

September 2023

### ABSTRACT

This study is designed and developed to identify the lived experience of successful students with low social and economic status. Successful students are defined as those who have been admitted to desired academic disciplines. Data are collected by using semi-structured interviews with the statistical sample includes 18 respondents of some cities of Kermanshah province. The utilized research method is content analysis through which 45 categories are identified in the first stage, and are converted into 4 main categories. The main categories included subjective-objective experiences and positive-negative experiences. Findings also shows that there is an ordered relationship between the formation of these experiences, in such a way that positive subjective experiences are prior to negative objective experiences in the process of success achievement. According to findings, motivation and obstacle play a linkage role in the relation between 4 main categories.

#### Keywords:

lived experience, socio-economic status, successful students, Kermanshah.

**Cite this article:** Sadeghi, M., Karami, J. & Momeni, M. (2023) Investigating the lived experiences of successful students with poor social and economic status, *Sociological Review (Social Science Letter)*, 30 (1), 115- 137.

DOI: <http://10.22059/JSR.2023.339347.1748>

## بررسی تجارب زیسته دانش‌آموزان موفق تحصیلی با پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیف

معین صادقی<sup>۱</sup> | جهانگیر کرمی<sup>۲</sup> | خدامراد مؤمنی<sup>۳</sup>

۱. نویسنده مسئول، کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی - دانشگاه رازی کرمانشاه کرمانشاه، ایران. رایانامه: [sadeghi.moein20@gmail.com](mailto:sadeghi.moein20@gmail.com)

۲. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: [j.karami@razi.ac.ir](mailto:j.karami@razi.ac.ir)

۳. دانشیار، گروه روانشناسی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. رایانامه: [kh.momeni@razi.ac.ir](mailto:kh.momeni@razi.ac.ir)

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: مقاله پژوهشی</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۲۹</p> <p>تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۵/۱۷</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۶/۱۱</p> <p>تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۶/۲۹</p> <p>کلیدواژه‌ها: تجربه زیسته، پایگاه اجتماعی-اقتصادی، دانش‌آموزان موفق، کرمانشاه</p>	<p>این پژوهش به منظور شناسایی و آگاهی از تجربه زیسته دانش‌آموزان موفق با پایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین طراحی و تدوین شد. در واقع این پژوهش بر آن است تا نشان دهد که پایگاه اجتماعی-اقتصادی که دارا بودن آن به باور روان‌شناسان اجتماعی، تاحدودی اکتسابی است، چه تاثیری بر موفقیت دانش‌آموزان دارد. شیوه انجام تحقیق به صورت کیفی بوده و محقق با استفاده از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با پاسخگویان داده‌ها را به دست آورده است. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزان موفق استان کرمانشاه، و نمونه آماری شامل ۱۸ پاسخگو از برخی از شهرهای این استان بوده است. داده‌ها با استفاده از شیوه تحلیل محتوا تجزیه و تحلیل شدند. یافته‌ها نشان دادند که ۴۵ مقوله در مرحله نخست قابل شناسایی است که قابل تبدیل به ۴ مقوله بوده‌اند. مقولات اصلی شامل تجربیات ذهنی-عینی و تجربیات مثبت-منفی بوده‌اند. همچنین یافته‌ها نشان دادند که رابطه منظمی میان شکل‌گیری این تجربیات وجود دارد، به این ترتیب که نخست تجربیات ذهنی-مثبت و سپس تجربیات عینی-منفی در فرایند موفقیت دانش‌آموزان دخیل می‌باشند و در نهایت در یک فرآیند غلبه‌ورزی، موفقیت حاصل می‌گردد. براساس یافته‌ها انگیزه-مانع، دو مقوله اصلی است که به عنوان رابط میان این ۴ مولفه اصلی نقش ایفا می‌کند. این دو مقوله نقش محوری یا مرکزی را ایفا می‌کنند و نشان می‌دهند که تاثیر پایگاه اجتماعی-اقتصادی بر موفقیت دانش‌آموزان در قالب تجربه زیسته، به دو طریق مانع یا انگیزه بودن، عمل می‌کند. به طوری که پایگاه، هم می‌تواند مانع باشد و هم انگیزه.</p>

استناد: : صادقی، معین؛ کرمی، جهانگیر و مؤمنی، خدامراد. (۱۴۰۲). بررسی تجارب زیسته دانش‌آموزان موفق تحصیلی با پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیف: مطالعات جامعه‌شناختی (نامه علوم اجتماعی)، ۳۰ (۱)، ۱۱۵-۱۳۷.

DOI: <http://10.22059/JSR.2023.339347.1748>

## واکاوی مسئله

نقشی که امروزه تحصیلات در ارتقای فرهنگی انسان‌ها و بهبود موقعیت اقتصادی، اجتماعی و سیاسی آنها ایفا می‌کند بر کسی پوشیده نیست. گاردون<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) بر این باور است که هم‌اکنون تقریباً در تمام جوامع، بهترین و اصلی‌ترین مسیر برای کسب بسیاری از موقعیت‌های اجتماعی، تحصیلات است. از همین رو امروزه به ویژه در کشورهای توسعه‌یافته، تاکید زیادی روی تحصیلات اعمال می‌گردد. به اعتقاد ویلر<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) دانش‌آموزانی که به ویژه در سال‌های ابتدایی تحصیلات، خود را موفق نشان می‌دهند، همان آینده‌سازانی هستند که بعداً کرسی‌های سیاسی و اجتماعی بالای جامعه را بر عهده می‌گیرند. این نکته حتی در میان کشورهای در حال توسعه و توسعه‌نیافته‌ای نظیر سرزمین‌های آفریقایی نیز مشاهده می‌گردد (فوکر، ۲۰۲۰). اکسو و درما<sup>۳</sup> (۲۰۱۹) به عنوان نمونه‌ای از این واقعیت، به کشور کنگو اشاره می‌کنند که در آن، بسیاری از سمت‌های سیاسی و موقعیت‌های اقتصادی، تنها مختص گروه‌های بالای تحصیل کرده جامعه می‌باشد. همچنین وجود شرط اجباری تحصیلات برای کاندیدا شدن در بسیاری از موقعیت‌های سیاسی در آفریقا نیز نمونه‌ای از اهمیت تحصیلات در کشورهای نسبتاً توسعه‌نیافته است. از همین رو به اعتقاد کیفورد (۲۰۱۹) امروزه در اغلب کشورها مردم تلاش می‌کنند تا به موفقیت تحصیلی دست یابند و این تلاش تنها مختص به گروه‌های خاص نظیر قدرت‌مندان، ثروت‌مندان و ... نیست بلکه با توجه به جنبه عمومی بودن تحصیلات در اکثر کشورها، تمام مردم می‌کوشند تا خود یا فرزندان‌شان را به هر صورت وارد تحصیلات عالی نمایند تا بتوانند در آینده از مزایای آن‌ها بهره‌مند شوند. با این وجود علاقه‌مندی به موفقیت در تحصیلات به ویژه در کشورهای ایران بسیار بالاست، چراکه در آنها از یک سو جمعیت جوان زیادی وجود دارد و از سوی دیگر دسترسی گروه‌های پایین جامعه به مشاغل و موقعیت‌های اجتماعی بالا تقریباً جز با تحصیلات ممکن نیست. از این رو وجود رقابت نسبتاً شدید میان دانش‌آموزان، گاهی موجب می‌گردد که دسترسی به موفقیت در تحصیل برای برخی از گروه‌ها دشوار باشد. در تمام سرزمین‌ها، دشواری در موفقیت تحصیلی به ویژه برای گروه‌های ضعیف جامعه از لحاظ پایگاه و موقعیت اجتماعی - اقتصادی بیشتر می‌باشد. زیرا آنها ممکن است از یک سو درآمد و هزینه کافی برای خرید برخی از کمک‌کتاب‌ها، تامین معلمان خصوصی و ... نداشته باشند و از سوی دیگر از تغذیه، تفریح، سلامت جسمی و روانی و ... مناسبی برخوردار نباشند و هر دوی این عامل‌ها می‌تواند افراد با پایگاه‌های پایین اقتصادی - اجتماعی را به صورت بالقوه در موفقیت ضعیف‌تر و شانس کمتر برای دستیابی به موفقیت قرار دهد. سالویسانو<sup>۴</sup> (۲۰۲۰) با بیان تجربه دشواری دسترسی به موفقیت تحصیلی در میان برخی از گروه‌ها، فراوان‌ترین آن را متعلق به گروه‌های با پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی ضعیف می‌داند و برای تبیین این ایده، به بیان مثال‌های مختلف در این رابطه می‌پردازد. او نخست از کشور امریکا آغاز می‌کند و نشان می‌دهد که به عنوان نمونه در ایالت اوهایو، حدود ۵۱ درصد از دانش‌آموزان موفق تحصیلی در دوره دوم<sup>۵</sup> آموزشی متعلق به گروه‌های با پایگاه‌های اقتصادی و اجتماعی بالا می‌باشند و تنها ۱۱ درصد از دانش‌آموزان موفق را گروه‌های پایین جامعه تشکیل می‌دهند (فوکر، ۲۰۲۰). همچنین بر اساس گزارش او در کشورهای اروپایی نیز اغلب دانش‌آموزان موفق متعلق به گروه‌های بالای جامعه بوده و به عنوان نمونه در کشور فرانسه، تنها ۱۳ درصد از دانش‌آموزان موفق در سال تحصیلی ۲۰۱۶ به طبقه پایین جامعه تعلق داشته‌اند. سالویسانو (۲۰۲۰) سپس بیان می‌کند که این وضعیت در کشورهای در حال توسعه یا توسعه‌نیافته، احتمالاً شدیدتر خواهد بود. زیرا عدالت آموزشی و امکانات رفاهی در این کشورها به صورت شدیدتری نابرابرانه توزیع می‌گردد (فوکر، ۲۰۲۰). در

1. Gardon  
2. Webler  
3. Axo & Drma  
4. SALVISANO  
5. Second

این زمینه محمدی و همکاران (۱۳۹۸) در پژوهشی که در شهر تهران انجام داده‌اند نشان می‌دهند که اغلب دانش‌آموزان موفق متعلق به طبقات بالای جامعه می‌باشند و تنها تعداد کمی از آنها را دانش‌آموزان متعلق به گروه‌های ضعیف جامعه تشکیل می‌دهند. با این وجود براساس این پژوهش، مجموع (یا میانگین) میزان موفقیت دانش‌آموزان طبقات ضعیف (۱۹,۸۸) به صورت نسبتاً معناداری بیش از موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان گروه‌های بالای جامعه (۱۸,۹۷) بوده است. در مشهد نیز در پژوهشی که توسط رحمانیان و همکاران (۱۳۹۶) در قالب یک طرح تحقیقی انجام شد نتیجه‌ای مشابه با تحقیق محمدی و همکاران به دست آمد، مبنی بر این که تعداد بیشتر دانش‌آموزان موفق در مدارس این شهر متعلق به گروه‌های با پایگاه‌های اجتماعی و اقتصادی بالای جامعه می‌باشند، اما آن دسته از دانش‌آموزانی که به پایگاه‌های ضعیف جامعه تعلق دارند موفقیت بالاتری را نشان می‌دهند و میانگین موفقیت تحصیلی آنها در نیمه اول سال تحصیلی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ در دو مدرسه مورد مطالعه حدود ۰,۶۴ درصد بیشتر از دانش‌آموزان با پایگاه اجتماعی و اقتصادی بالا بوده است. تحقیقات دیگر نیز نشان می‌دهند که با وجود تعداد کم دانش‌آموزان موفق که متعلق به گروه‌های ضعیف جامعه می‌باشند اما آنها اختلاف معناداری را در موفقیت تحصیلی با دیگران نشان می‌دهند و این امر در شرایطی صورت می‌گیرد که آنها از لحاظ‌های گوناگون از جمله سبک تغذیه، برخورداری از امکانات وسیع آموزشی و ... متفاوت با گروه‌های بالای جامعه می‌باشند. از همین رو تلاش برای شناخت کیفیت زندگی این گروه از دانش‌آموزان و چگونگی کوشش آنها برای رسیدن به این درجه از موفقیت، دغدغه‌ای است که برای سالیان اخیر توجه محققان زیادی را به خود جلب نموده است. در واقع مطالعه سرگذشت این نخبگان می‌تواند چراغ راه آیندگان باشد. به اعتقاد او دیگران می‌توانند از آموخته‌های این دانش‌آموزان موفق در مسیر موفقیت خود بهره بگیرند و آنها را سرلوحه فعالیت‌های علمی خویش قرار دهند. انتقال تجربه این گروه از دانش‌آموزان می‌تواند نقش محرک را برای دانش‌آموزان بعدی ایفا کند. سرانجام وبلر (۲۰۱۸) بیان می‌نماید که رسیدن به تجربه زیسته دانش‌آموزان موفق می‌تواند برای گروه‌های با پایگاه‌های اجتماعی - اقتصادی ضعیف، متوسط و بالا ایجاد انگیزه نماید. در کنار وبلر، محققان دیگر نظیر اکسو و درما (۲۰۱۹) کارکرد مشخصی را برای بیان تجربه زیسته دانش‌آموزان موفق نام برده‌اند. در میان محققان داخلی نیز عده‌ای این کارکرد را بیان کرده‌اند. در مجموع به نظر می‌رسد آنچه میان دیدگاه محققان داخلی و خارجی مشترک باشد، تاکید بر انگیزه‌هایی است که در نتیجه ارائه تجربه زیسته گروه‌های مختلف دانش‌آموزان به دست می‌آید. به نظر می‌رسد که در صورت دستیابی به تجربه زیسته دانش‌آموزان موفق، انگیزه‌ای برای والدین دیگر دانش‌آموزان ایجاد می‌گردد. در واقع در این حالت آنها می‌توانند دریابند دستیابی به موفقیت برای گروه‌های همسال آنان دشوار نیست. به اعتقاد وی در این حالت والدین نیز می‌توانند «انگیزه‌های مضاعف» برای موفقیت فرزندان خویش باشند. زیرا آنها می‌توانند انگیزه دریافت شده از سوی دانش‌آموزان موفق را به واسطه یک تغییر عامل ذهنی، به فرزندان خویش منتقل سازند.

مسئله و دغدغه اصلی این پژوهش شناخت و آگاهی از تجربه زیسته دانش‌آموزانی است که علی‌رغم برخورداری از پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیف، موفقیت‌های تحصیلی بالایی را به دست آورده‌اند. به عبارت دیگر مسئله اصلی در پژوهش حاضر آن است که تجربه زیسته دانش‌آموزان موفق با پایگاه اجتماعی - اقتصادی ضعیف چیست؛ چه تفاوتی از این لحاظ میان دانش‌آموزان مورد مطالعه وجود دارد؛ و این تفاوت‌ها چگونه و از چه طریق قابل تبیین می‌باشد؟

## مبانی نظری پژوهش

پایگاه به تفاوت‌های میان گروه‌های اجتماعی اطلاق می‌گردد. تمایزات پایگاهی، اغلب از تقسیمات طبقه‌ای مستقل است. طبقات از عوامل اقتصادی مربوط به دارایی و درآمد نشأت می‌گیرد و پایگاه برحسب شیوه‌های گوناگون زندگی که گروه‌ها دنبال می‌کنند، تعیین

می‌گردد (گیدنز، ۱۳۸۲: ۲۴۵). بنابراین پایگاه اگرچه شباهتهایی را با متغیر طبقه نشان می‌دهد اما در واقع از آن متمایز می‌باشد و با توجه به ویژگی‌ها و شرایطی که دارد به نظر می‌رسد که بیش از طبقه با تحصیلات در ارتباط است.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی متغیر زمینه‌ای مهمی است که ساختار اجتماعی هر جامعه را نشان می‌دهد<sup>۱</sup> (اکسو و درما، ۲۰۱۹). پایگاه اجتماعی - اقتصادی بستر مناسبی برای بهره‌وری سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت تحصیلی فرزندان فراهم می‌نماید. اهمیت و نقش خانواده در شکل‌گیری فرآیند جامعه‌پذیری دانش‌آموزان از یک سو و کم‌رنگ شدن نقش پایگاه خانواده تحت تأثیر عوامل مختلف طی سالیان اخیر از سوی دیگر لزوم توجه بیشتر محققان به پایگاه خانواده و تأثیر آن بر موفقیت دانش‌آموزان را ضروری ساخته است. درباره تأثیر پایگاه خانوادگی افراد در موفقیت تحصیلی فرزندان از سوی صاحب‌نظران، نظریات متعددی مطرح شده است. آنچه در بیشتر این نظرها مشهود است، توافق آنها روی تأثیر مثبت شرایط اجتماعی - اقتصادی خانواده بر موفقیت تحصیلی فرزندان است. لگال (۲۰۱۹) در این رابطه می‌گوید: «موقعیت خانواده به لحاظ اجتماعی و اقتصادی از جمله عوامل مهم در پیشرفت‌ها و شکست‌های تحصیلی نوجوانان به شمار می‌رود و تأثیرگذاری آن با اثرگذاری بر مهارت‌ها و انگیزش و فراهم کردن شرایط و امکانات آموزشی، تحصیلی و شغلی بهتر برای نوجوانان صورت می‌گیرد». وی در بیان مثالی از این موارد می‌گوید: تحقیقات متعدد و مختلف نشان می‌دهد که هر چه تحصیلات بزرگسالان بالاتر باشد و هرگاه بزرگسالان به مطالعه علاقه نشان دهند و درباره آینده فرزندان خود نگران باشند، میزان موفقیت فرزندان این خانواده در امور درسی بالاتر خواهد بود و چنانچه برخلاف آن باشد یا این که خانواده از نظر تعداد اعضاء گسترده‌تر باشد، احتمال موفقیت فرزندان در امور درسی و تحصیلی پایین می‌آید. در مورد سایر مولفه‌های مربوط به پایگاه اجتماعی - اقتصادی نیز نظریه‌ها و دیدگاه‌های متفاوتی عرضه شده‌اند که هر یک از آنها به تأثیر مثبت یا منفی یکی از عناصر پایگاه بر موفقیت تحصیلی می‌پردازند و نشان می‌دهند که چگونه این مولفه‌ها موفقیت تحصیلی فرزندان را در خانواده‌های مختلف مورد تأثیر قرار می‌دهند. برخی از پژوهش‌ها حکایت از تأثیرگذار بودن عوامل خانوادگی بر موفقیت آموزشی دانش‌آموزان دارد (بدول و فردکین، ۲۰۱۴: ۴۵۵). در حالی که تحقیقات دیگر نقش عوامل مدرسه‌ای مانند نحوه برخورد و رفتار معلم‌ها با دانش‌آموزان را مهم‌تر می‌دانند (هارالامبوس و هالیورن، ۲۰۰۸: ۶۳۸). با این وجود آن چه در این میان مشهود می‌باشد این است که دانشمندان علوم اجتماعی به خوبی آگاه‌اند که فرصت‌های مشارکت تحصیلی به صورت یکسانی در سراسر جمعیت توزیع نشده است و پایگاه اقتصادی - اجتماعی (SES) تأثیر عمیقی بر تحصیلات و فعالیت‌های آموزشی دارد (وایت و مک‌تر، ۲۰۱۲: ۱۹۰-۱۸۷).

### پیشینه پژوهش

- محمدی و همکاران (۱۳۹۸) به مطالعه تجربه زیسته دانش‌آموزان موفق در آزمون‌های سراسری سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸ پرداخته‌اند. محقق برای رسیدن به یافته‌ها، با سه نفر اولی که رتبه‌های ۱ تا ۳ را در سه رشته علوم انسانی، علوم تجربی و علوم ریاضی کسب کرده‌اند، مصاحبه عمیق به عمل آورد. یافته‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل محتوای کیفی نظام مقوله‌بندی قیاسی (سه نوع کدبندی رتبه‌ای) تحلیل شدند. نتایج نشان دادند که تفاوت‌های زیادی میان دانش‌آموزان موفق مشاهده می‌شود به طوری که برخی از آنها به خانواده‌های با پایگاه‌های اقتصادی - اجتماعی بسیار بالا و برخی به خانواده‌هایی با موقعیت‌های اجتماعی و اقتصادی کاملاً ضعیف اختصاص دارند. دانشجویان با پایگاه اقتصادی - اجتماعی بالا از برخورداری از آرامش کامل و فضای خصوصی برای خواندن، داشتن معلم خصوصی، تأمین مالی توسط خانواده، حمایت‌های بلندمدت خانواده به لحاظ عاطفی و ...

۱. پایگاه اجتماعی - اقتصادی را در شکل اجتماعی و اقتصادی آن به عنوان شاخص اشاره در نظر می‌گیرند (نظری، ۱۳۸۳) که در حالت تجسم‌یافته آن برای انباشت به زمان نیاز دارد.

سخن گفته‌اند در حالی که دانش‌آموزان با پایگاه‌های اقتصادی- اجتماعی ضعیف از خواندن و مطالعه در فضاهای عمومی، ارتباطات گسترده با همکلاسی‌ها برای رفع اشکالات درسی، کار کردن، دریافت حمایت عاطفی از سوی خانواده و ... صحبت کرده‌اند.

- صالحی و همکاران (۱۳۹۸) به تدوین مدل مفهومی موفقیت تحصیلی برای دانش‌آموزان سال اول دبیرستان پرداخته‌اند. داده‌های حاصل از این مطالعه با روش نظریه زمینه‌ای و متون به روش تحلیل محتوای کیفی، تحلیل شدند به این ترتیب عوامل موفقیت تحصیلی در چهار مقوله اصلی کدگذاری شده که هر کدام دارای مقوله‌های فرعی دیگری می‌شد. مقوله‌های اصلی به‌دست‌آمده عبارت‌اند از: ۱- عوامل فردی پایدار شامل مقوله‌های فرعی هوش، شخصیت و رغبت؛ ۲- عوامل فردی ناپایدار شامل خودپنداره تحصیلی، اشتیاق، اهمال‌کاری تحصیلی، مهارت‌های تحصیلی و انگیزه پیشرفت؛ ۳- عوامل خانوادگی شامل شیوه فرزندپروری، مشارکت والدین، دلبستگی و وضعیت اجتماعی اقتصادی.

- عینی‌پور و شباهنگ (۱۳۹۷) به مطالعه تجارب زیسته مادران از والدگری موفق در تحصیل (مطالعه پدیدارشناختی) پرداخته‌اند. از بین مادران دارای فرزند موفق در تحصیل در استان گیلان، ۳۱ نفر به شیوه نمونه‌گیری هدفمند، انتخاب شده و مورد مصاحبه قرار گرفتند. در این پژوهش نقش سه عامل، محوری به نظر می‌رسد: تعامل ویژگی‌های فردی با مادر، تعامل دانش آموز- معلم، خودتحصیلی.

- گاردون (۲۰۲۰) به مطالعه تجربه دانش‌آموزان موفق با پایگاه‌های اجتماعی- اقتصادی متفاوت پرداخته است. جامعه آماری این پژوهش ۱۲ تن از دانش‌آموزان پایه دهم رشته تحصیلی فنی در کالیفرنای آمریکا می‌باشد. محقق ۱۲ تن از دانش‌آموزان را مورد مصاحبه عمیق قرار داد. نتایج نشان داده‌اند که پایگاه نقش موثری در موفقیت دارد. با این وجود تجربه دانش‌آموزان ضعیف دارای موفقیت تحصیلی، اغلب شامل تلاش و کوشش بسیار، امید و انگیزه برای رهایی از وضعیت موجود و رسیدن به موقعیت برتر، دستیابی به موفقیت مالی در کوتاه‌مدت و ... بوده است.

- اکسو و درما (۲۰۱۹) نابرابری توان والدین در سرمایه‌گذاری برای موفقیت دانش‌آموزان را مورد مطالعه قرار داده‌اند. نتیجه‌ها نشان داده که برخی از والدین، به دلیل داشتن پایگاه اجتماعی- اقتصادی ضعیف، توان بهبود بخشیدن به ارتقای موفقیت تحصیلی فرزندان خود را ندارند و از این رو فرزندان این خانواده‌ها اغلب به ندرت به موفقیت تحصیلی دست می‌یابند. با این وجود محقق در نتایج خود به این یافته دست می‌یابد که برخی از دانش‌آموزان نیز هستند که علی‌رغم آن که به خانواده‌های ضعیف تعلق دارند اما موفقیت بسیار زیادی داشته‌اند که محقق در پایان پژوهش خویش، به صورت عمیق و در قالب نمونه موردی، بر روی ۳ نفر از آنان متمرکز گردیده و درمی‌یابد که فرزندان این خانواده‌ها در تجربه خود به سه نکته اشاره کرده‌اند: در نظر داشتن رسیدن به موقعیت‌هایی که تاکنون خود و خانواده آنان از آن محروم بوده‌اند؛ تلاش شبانه روزی برای توان رقابت با دیگرانی که درآمد کافی برای خرید کالا، کتاب‌های کمک آموزشی و ... دارند؛ قرض‌گیری از دیگران برای خرید برخی از کتاب‌هایی که بسیار ضروری بوده‌اند.

- گبنا<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) به بررسی تاثیرات پایگاه اجتماعی- اقتصادی خانواده بر موفقیت تحصیلی در مدرسه علوم آموزشی و رفتاری اتیوپی پرداخته است. ۱۷۲ دانش‌آموز با استفاده از روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌ای از جامعه هدف گرفته شدند. نتایج نشان داد که ابتدا درآمد خانواده هیچ چیز جدیدی برای پیشرفت تحصیلی دانشجویان ایجاد نمی‌کند. دوم، بین جنس و پیشرفت تحصیلی دانشجویان رابطه منفی آماری وجود دارد. سرانجام سطح تحصیلات خانوادگی ۴۰/۹۶ درصد در پیشرفت تحصیلی دانشجویان

نقش داشته است، در حالی که ۵۹,۰۴ درصد از متغیرها، عوامل غیر قابل توضیحی بودند که در پیشرفت تحصیلی دانشجویان نقش داشتند.

- باهت‌جوشی<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) به مطالعه تاثیر پایگاه اجتماعی- اقتصادی بر موفقیت تحصیلی دانش‌آموزان دوره متوسطه مناطق مختلف آموزشی منطقه گن‌دربال از جامو و ایالت کشمیر پرداخته است. مطالعه روی ۱۲۰ دانش‌آموز از مدارس راهنمایی در سال ۲۰۱۵ با روش نمونه‌گیری تصادفی انجام شد. داده‌ها با استفاده از آزمون‌های میانگین، S.D و M.D تحلیل شدند. نتیجه، مسئله پژوهش را فراتر از هرگونه شک و تردید ثابت می‌کند: این که در پیشرفت تحصیلی، وضعیت اقتصادی- اجتماعی بالای دانش‌آموزان در مقایسه با وضعیت پایین اقتصادی- اجتماعی دانش‌آموزان تفاوت معنی‌داری وجود دارد. تفاوت معناداری بین دانش‌آموزان با وضعیت اقتصادی- اجتماعی (بالا و پایین) و (بالا و متوسط) وجود داشت. از طرف دیگر تفاوت معنی‌داری بین دانشجویان دارای وضعیت اقتصادی متوسط و پایین در رابطه با پیشرفت تحصیلی مشاهده نشده است.

مروری بر پیشینه نشان می‌دهد که اولاً اغلب این تحقیقات به صورت کمی انجام شده‌اند به این معنا که محقق پس از تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش، به صورت عددی به سنجش رابطه میان آنها پرداخته و نشان داده است که این رابطه در میان یک نمونه آماری کوچک، چه معنایی دارد. در حالی که برخی از این تحقیقات در سنجش صحیح متغیرها دچار خطای انسانی شده‌اند (به دلیل استفاده صرف از اعداد و ارقام)، یا این که تنها در قالب اعداد سنجیده شده‌اند. شاید همین مسئله باعث شده باشد که اغلب این پژوهش‌ها نتیجه‌ای مشابه با یکدیگر اما با اعدادی متفاوت را به دست آورده باشند. دوم این که در اغلب این تحقیقات، مدلی ترسیم گردیده که تنها شامل چند متغیر تکراری است و در این تحقیقات تنها سهم تاثیرگذاری آنها مشخص شده است. سوم این که اغلب این تحقیقات تنها با اتکا بر یک یا چند نظریه، کوشیده‌اند آنها را به صورت نظری در جامعه آماری کوچک مورد آزمون قرار دهند. در حالی که در پژوهش حاضر محقق می‌کوشد اولاً به صورت کیفی، به تعریف متغیرها پرداخته و ثانیاً مسئله مورد پژوهش را مورد واکاوی عمیق قرار دهد.

### روش‌شناسی پژوهش

با توجه به تمایزات میان تحقیقات کیفی و کمی، این پژوهش به شیوه کیفی انجام شده است. منظور این است که محقق کوشیده تا با استفاده از ابزارهای کیفی داده‌ها را گردآوری نموده و از طریق تکنیک‌های کیفی داده‌ها را تحلیل نماید. جامعه آماری شامل کلیه دانش‌آموزانی است که از لحاظ عملکرد علمی (که با رتبه کنکور سنجیده می‌شود) در استان کرمانشاه در موقعیت مطلوبی قرار دارند، اما پایگاه اجتماعی- اقتصادی آنها پایین است. منظور از رتبه مطلوب کسب رتبه کشوری حداکثر دو رقمی (زیر ۱۰۰) برای رشته‌های هنر و فنی و رتبه‌های سه رقمی (زیر ۱۰۰۰) برای رشته تجربی یا ریاضی می‌باشد. به این ترتیب در این جا با ۱۳۷ دانش‌آموز رو به رو بودیم که هر یک از آنها پایگاه اجتماعی- اقتصادی متفاوتی داشتند. معیار پایگاه اجتماعی- اقتصادی ضعیف نیز نداشتن سواد یا سواد کم والدین (کمتر از دیپلم)، برخورداری از حقوق یا دستمزد پایین والدین (کمتر از ده میلیون ریال) و تعلق شغل والدین به یکی از گروه‌های پایین جامعه (کارگر و ...) بود که به این ترتیب (و با توجه به این که پایگاه اجتماعی- اقتصادی والدین قبلاً توسط هر مدرسه سنجیده شده است) تعداد جامعه آماری برای مطالعه حاضر به حدود ۵۳ دانش‌آموز تقلیل یافت. برای رعایت اصل تصادفی بودن، این افراد از شهرهای مختلف کرمانشاه (پاوه، جوانرود، روان‌سر، صحنه، اسلام‌آباد غرب، کرمانشاه، گوآور، سر پل ذهاب، قصر شیرین، کنگاور و ثلاث باباجانی) انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری به صورت هدفمند بوده است. به این ترتیب که محقق کوشید دانش‌آموزانی را از

مناطق مختلف استان کرمانشاه (که به لحاظ سطوح اجتماعی جایگاه پایینی دارند) برگزیند. معیار تعیین حجم نمونه، رسیدن به اشباع نظری و داده‌ای بود.

ابزار گردآوری داده‌ها شامل مصاحبه بدون ساختار یا عمیق بود. این نوع مصاحبه زمانی کاربرد دارد که مصاحبه‌ها به صورت اکتشافی انجام می‌شوند. سوالات این نوع توسط محقق تعیین شد، به این ترتیب که محقق با چند سوال اولیه، فرآیند مصاحبه را آغاز کرد و بنا به تناسب پاسخ‌ها، سوالات جدیدی را اضافه نمود تا به تمام کنه و زوایای آشکار و پنهان موضوع پی ببرد. شیوه تجزیه و تحلیل داده‌ها، کدگذاری مرحله‌ای بوده است. به این معنا که محقق طی سه مرحله کدگذاری، ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های هر حالت جداگانه را شناسایی، دسته‌بندی و طبقه‌بندی نمود تا در پایان به یک نظریه مبنایی دست یابد.

جدول ۱ وضعیت فردی و خانوادگی پاسخگویان مورد مطالعه را نشان می‌دهد. این داده‌ها نشان می‌دهند که ۱۸ پاسخگوی مورد مطالعه در پژوهش حاضر چه وضعیتی از لحاظ پایگاه اجتماعی و اقتصادی دارند. همچنان که در داده‌های جدول بالا مشخص می‌باشد اکثر قریب به اتفاق یا تقریباً تمام پاسخگویان، به لحاظ خانوادگی، پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیفی را نشان می‌دهند. این مسئله با توجه به هر سه مولفه یعنی تحصیلات والدین، درآمد والدین و شغل والدین قابل تشخیص و تعیین می‌باشد.

جدول ۱: وضعیت پاسخگویان و خانواده‌های آنها

دانشجویان	تحصیلات والدین (سرپرست)	درآمد والدین	شغل والدین
A-1	بی‌سواد	کم	نظامی
A-2	سیکل	متوسط	آزاد
A-3	ابتدائی	کم	کارگر
A-4	بی‌سواد	کم	کتاب‌دار
A-5	دیپلم	کم	نظافت‌چی رستوران
A-6	فوق دیپلم	کم	متوفی
A-7	سیکل	متوسط	معلم بازنشسته
A-8	بی‌سواد	کم	راننده
A-9	دیپلم	زیاد	کارگر
A-10	بی‌سواد	متوسط	نظامی
A-11	سیکل	کم	متوفی
A-12	بی‌سواد	کم	نقاش ساختمان
A-13	دیپلم	کم	نانوائی
A-14	ابتدائی	کم	متوفی
A-15	فوق دیپلم	کم	خیاط
A-16	لیسانس	متوسط	کارگر
A-17	بی‌سواد	کم	معلم بازنشسته
A-18	دیپلم	متوسط	بازنشسته ارتش



## جدول ۲: استخراج کدهای اولیه از متن مصاحبه

مقاله	شرح	پاسخگو	مثال
کاهش شادی، تفریح و استراحت	اغلب پاسخگویان اشاره کرده‌اند که در زمانی که درس می‌خوانده‌اند دچار کاهش تجربه شادی و استراحت شده‌اند.	A-3	وقتی درس می‌خوانی، باید از همه چیزت بزنی.
		A-12	در زمان کنکور مخصوصاً برای کسی مثل من که شرایط پدرم آن گونه بود (بیمار) موجب می‌شد تا من از هر شادی و تفریح بزنم.
		A-10	به خاطر دارم که تفریحات‌ام را کنسل می‌کردم مثلاً دوستانم می‌آمدند و می‌گفتند بریم فلان جا من می‌گفتم نه.
کاهش همدلی با دیگران	برخی از پاسخگویان بیان کرده‌اند که در زمان پرداختن به کنکور، ارتباطات خود را با دیگران کاهش داده و در نتیجه، به تدریج دچار کاهش علاقه نسبت به آنها به ویژه دوستان شده‌اند.	A-1	زمانی که برای کنکور می‌خواندم، رابطه‌ام را بقیه کمتر کرده بودم.
		A-14	کنکور خیلی رابطه من را با دیگران کم کرد ... و این کار به جنبه‌های عاطفی من آسیب زد. در ۱۴ ماهی که برای کنکور درس می‌خواندم، بخشی از دوستانم را از دست دادم
کاهش توجه به نیازهای فردی	برخی از پاسخگویان می‌گویند فشار حداکثری برای درس خواندن، مانع از توجه آنها به برخی از نیازهایشان می‌شد. به طوری که یا آن را نادیده می‌گرفتند یا این که کمتر به آن می‌پرداختند.	A-2	در دوره ای که من شروع کردم برای خواندن برای کنکور، حتی تلویزیون هم نمی‌دیدم و نمی‌دانستم در کشور چه خبر است.
		A-4	طوری بود که من نیازهای فردی‌ام را یادم رفته بود مثل باشگاه رفتن و ...
عدم مشارکت در فعالیت‌های فردی و جمعی	برخی از پاسخگویان اشاره کرده‌اند که در نتیجه تلاش حداکثری برای قبول شدن در آزمون، آنها از برخی از فعالیت‌های فردی و اجتماعی خویش صرف‌نظر کرده‌اند	A-9	نمی‌شود در فعالیت‌ها شرکت کرد ... مثلاً محرم یا ماه رمضان من در هیچ مراسمی شرکت نکردم
		A-13	من خیلی از کارها را رها کردم. از ترس این که مبدا یک ساعت را برای آرایش خودم زمان بگذارم مثلاً مهمانی‌ها را نمی‌رفتم.
کاهش ارتباطات اجتماعی	بسیاری از پاسخگویان گفته‌اند که در زمان کنکور، تجربه این را داشته‌اند که ارتباطات خود را با دیگران کاهش دهند.	A-15	کم کردن رابطه با دیگران یک اصل ضروری است. این دیگران می‌تواند خانواده باشد، دوست باشد، همسر باشد یا هر کس دیگر ... من در زمانی که برای کنکور می‌خواندم کنار خانواده درس نمی‌خواندم و به همین خاطر اکثر وقت‌ها آنها را نمی‌دیدم.
		A-8	به نظر من یک اصل اساسی است که شما رابطه‌ات را با دیگران کم کنی. من خودم رابطه‌ام با دوستانم کم شد با اقوام کم شد با بقیه کم شد با جامعه کم شد با انجمن مدرسه کم شد و فقط با خانواده‌ام حفظ شد.
		A-11	من رابطه زیادی با دیگران نداشتم ولی همین رابطه‌های ضعیف را هم کم کردم. مثلاً من برادرم و دو تا خواهرم زمانی که می‌آمدند من پیش آنها حاضر نمی‌شدم تا بتوانم درس بخوانم ... ارتباطات ضعیفی هم با جامعه داشتم که آنها را هم قطع کردم مثل ارتباط با گروه‌های ورزشی و ... و حتی سیاسی مثل شرکت در شورای دانش‌آموزی و ...
حبس شدن در خانه	اکثر پاسخگویان گفته‌اند که آنها در تمام مدتی که برای کنکور مشغول درس خواندن بوده‌اند تجربه‌ای از حبس شدن در خانه را نشان می‌دهند.	A-7	من الان که فکر می‌کنم می‌بینم واقعاً فرقی با یک زندانی نداشتم. چون من اصلاً از خانه در نمی‌آمدم و کسی هم به ملاقات‌ام [با خنده] نمی‌آمد. یعنی یک زندانی واقعی بودم که حتی ملاقاتی هم نداشتم.
		A-1	حبس بودن را در این یک سال تجربه کردم ... من پدرم سابقه زندانی بودن در زندان دارد و یادم هست به من، زمانی که برای کنکور می‌خواندم می‌گفت که خودت را زندانی کرده‌ای. می‌گفت من یک ماه سابقه دارم تو یک سال. منظورش این بود که من واقعاً یک سال در خانه زندانی بودم هیچ‌جا نمی‌رفتم هیچ تفریحی نمی‌کردم هیچ شادی‌ای.
تجربه بیداری‌های	تجربه بیداری‌های زیاد یا کم‌خوابی شدید یکی دیگر از تجربیاتی است که دانش‌آموزان موفق در کنکور با پایگاه	A-16	من شب‌های زیادی را بیدار ماندم و نمی‌خوابیدم یا کم می‌خوابیدم.
		A-5	من به خاطر دارم که به خاطر کنکور، خواب شب و روزم تغییر کرده باشد

مقاله	شرح	پاسخگو	مثال
بلندمدت (کم‌خوابی)	اجتماعی - اقتصادی ضعیف گزارش داده‌اند.		شب‌های زیادی بیدار بودم و گاهی روزها می‌خوابیدم. همین تغییر آسیب‌های زیادی را برای من ایجاد کرده بود.
		A-3	من یادم هست هر روز یکی دو ساعت از خوابم می‌زدم تا بتوانم تست کار کنم. یعنی در حالت عادی درس می‌خواندم و به ازای زمانی که از خوابم می‌زدم تست کار می‌کردم.
مسئله‌بودن کنکور	اکثر پاسخگویان در تجربه زیسته خود کنکور را یک معضل معرفی کرده‌اند. منظور آنها این بوده که کنکور دشواری زیادی را برای آنها به همراه داشته است. این مسئله همچنین نشان می‌دهد که این پاسخگویان نگاهی منفی نسبت به کنکور داشته‌اند.	A-17	کنکور یک معضل است. غلبه کردن بر آن کار دشواری بود. من همیشه در طول زندگی‌ام به آن به عنوان یک دردسر نگاه می‌کردم و الان هم که در آن قبول شده‌ام خیلی احساس خوشحالی می‌کنم که بالاخره به نتیجه دلخواه خودم رسیده‌ام. این مسئله در مورد دوستانم نیز صادق است. من دوستان کنکوری زیادی دارم زیرا با آنها به صورت تیمی و گروهی درس می‌خواندم. می‌خواهم این را بگویم که آنها هم کنکور را یک دردسر می‌دیدند. برای آنها هم کنکور یک معضل بود یک دشواری بزرگ بود که عبور از آن سخت بود. چون سختی‌های زیادی را تحمل کردیم از این بابت می‌گوییم و گر نه اگر مثل بقیه امتحانات مان بود خیلی سخت نبود ما الان آن را دشوار معرفی نمی‌کردیم.
تجربه استرس	تقریباً تمام پاسخگویان گفته‌اند طیفی از استرس از کم تا خیلی زیاد را در مدتی که مشغول درس خواندن بوده‌اند تجربه کرده‌اند.	A-3	من در تمام طول مدتی که برای آن می‌خواندم، استرس را تجربه می‌کردم. استرس برای بچه‌های کم درآمد ناشی از عوامل مختلفی است.
		A-11	کنکور واقعاً استرس‌آور است فرقی هم نمی‌کند خواننده باشی یا نه.
افسردگی	بنا به تصدیق پاسخگویان، افسردگی به ویژه در میان پاسخگویان با پایگاه اجتماعی - اقتصادی ضعیف رایج می‌باشد.	A-2	افسردگی یک تجربه رایج برای من بود. من از میانه سالی که برای کنکور می‌خواندم، یک دوره کوتاه داروهای ضدافسردگی هم مصرف کردم که البته صرفاً به‌خاطر کنکور بود.
		A-18	بین کنکوری‌هایی که مخصوصاً وضع مالی‌شان اصلاً خوب نیست. آنها افسرده می‌شوند. چون درس‌ها زیاد است درس‌ها سخت است وضع مالی خانواده خوب نیست آنها هم در فشارند و تو با این وضع آنها را تنها می‌گذاری و به درس خودت می‌رسی ... به خودت فکر می‌کنی ... خودخواهی یعنی همین ...
احساس حقارت	تعدادی از پاسخگویان به حس تحقیر شدن طی کنکور اشاره کرده‌اند. تعبیر آنها از تحقیر شدن، آن است که گاهی نگاه خانواده، دیگران و دوستان بر آنها سنگینی می‌کند.	A-15	دوره کنکور واسه من فقط حس تحقیر بود و بس. این که می‌دیدم بقیه اعضای خانواده کار می‌کنند اما من مفت خورم، از این که می‌دیدم به بهانه کنکور دارم از کار کردن شانه خالی می‌کنم یا این که لااقل بقیه این‌گونه فکر می‌کردند، حس حقارت می‌کردم.
		A-11	این که تو نمی‌دانی در سال آینده در کنکور چه خواهی کرد خودش حاوی یک بار منفی و یک احساس حقارت است. زیرا خانواده می‌بینند که تو داری با چه هیجانی درس می‌خوانی و احساس می‌کنند بعداً قبول می‌شوی ولی تو می‌دانی که رقابت چقدر سنگین است و ممکن است این‌گونه نشود (یعنی قبول نشوی) و این مسئله خیلی حس تحقیر دارد.
		A-14	من فکر کنم همه کسانی که وضعیتی مشابه من دارند (به لحاظ اقتصادی) حس تحقیر شدن را تجربه می‌کنند. نگاه خانواده به این که چرا چند سال است که پشت کنکور هستی و موفق نمی‌شوی، بزرگ‌ترین دلیل برای خانواده‌هایی مانند ما است تا در آن حس تحقیر کنیم حتی اگر آنها این مسئله را به روی خود نیآورند.

مقاله	شرح	پاسخگو	مثال
خستگی	بسیاری از پاسخگویان بخشی از تجربه خود را از کنکور شامل احساس خستگی می‌دانند. این خستگی ناشی از دشواری کنکور و همچنین سایر مشکلاتی است که برای آنها در مسیر خواندن پیش می‌آمده است	A-6	کنکور خستگی زیادی برای من ایجاد کرد طوری که هنوز هم خستگی آن از تن من بیرون نرفته است. من شب‌های زیادی بیدار می‌مانم، با وجود تمام مشکلاتی که داشتم و برای شما هم گفتم.
		A-13	ساعت‌های طولانی بیدار ماندن و کار کردن سختی‌های زیادی برای من به وجود آورد و خستگی‌های طولانی‌مدتی در من به جا گذاشت. من هنوز هم آن سختی‌ها را فراموش نکرده‌ام و هنوز خستگی‌هایم بر تن من بر جا است.
		A-8	اگر من بخواهم در یک کلمه کنکور را خلاصه کنم، طوری که تا شما هم واژه کنکور را به من گفتید یاد همان کلمه افتادم واژه خستگی است.
عزت نفس پایین	یک حس رایج در بین کنکوری‌ها عزت نفس پایین بوده است. این مسئله به ویژه در میان دختران مشاهده می‌گردد.	A-1	چون چند سال بود که پشت کنکور بودم، عزت نفس یا اعتماد به نفس نداشتم. همیشه احساس می‌کردم امسال هم مانند سال پیش در کنکور نمره مطلوبی به دست نمی‌آورم. این گمان همیشه با من بود.
		A-10	اتفاقاتی رخ داد که به تدریج حس اعتماد به نفس من را گرفتند. مثلاً یکی فوت پدر بود. احساس می‌کردم در این صورت پشتوانه‌ای ندارم که از من دفاع کند تا درس بخوانم. اگرچه مادرم سعی می‌کرد جای خالی او را پر کند برای ما اما کار خیلی سختی بود.
		A-7	من به نظر خودم آدم با اعتماد به نفسی بودم اما چون سال دوم بود که برای کنکور می‌خواندم، دچار این احساس شدم. چون احساس می‌کردم که اضافه هستم در خانه.
احساس گناه	پاسخگویان اشاره کرده‌اند که آنها گاهی در نتیجه شرایطی که از آن برخوردار بوده‌اند نظیر کار کردن دیگران برای شخص، درآمد پایین و درخواست پول از خانواده و ... احساس گناه را تجربه می‌کرده‌اند.	A-9	کنکور برای من همیشه توأم با احساس گناه بوده است. احساس گناه به چند دلیل: یکی این که برادر یا خواهر یا مادر تو کار کنند و تو بخوری. این که آنها لباس نو بپوشند تا تو بتوانی کتاب بخری.
		A-6	چون در کنکور اتفاقات زیادی رخ می‌دهد با احساس عذاب وجدان همراه است. از جمله این اتفاقات این است که ممکن است یک سال عمرت را بگذاری و وقت بگذاری اما قبول نشوی. احساس گناه می‌کنی چون ممکن است فکر کنی هزینه‌ای را که خانواده تو با آن سختی در اختیار تو گذاشته‌اند حرام کرده‌ای و هدر داده‌ای.
دریافت حمایت کم	برخی از پاسخگویان اشاره کرده‌اند که حمایت عاطفی یا مالی کمی را از سوی خانواده خویش دریافت کرده‌اند.	A-4	خانواده من حمایت زیادی از من نکردند. نه به خاطر این که درآمد کمی داشته باشند یا چیزهای دیگر. بلکه به خاطر این که بلد نبودند باید با یک دانش‌آموزی که در آستانه آزمون کنکور قرار دارد چگونه باید برخورد کنند.
		A-17	حمایت خیلی مهم است. حمایت‌های زیادی می‌شود از یک فرد کنکوری به عمل آورد که مهم‌ترین آن مربوط به خانواده است بهترین امیدها را به فرد خانواده می‌دهند.
		A-5	من خانواده‌ام خیلی حمایت مالی کردند من را اما حمایت عاطفی نکردند. مثلاً توقع داشتند با این هزینه‌ای که می‌کنند حتماً قبول شوم.
حس سرباری	برخی از پاسخگویان که اغلب آنها را دختران تشکیل می‌دهند بر این باورند که آنها حس می‌کرده‌اند در زمانی که برای کنکور درس می‌خوانده‌اند یا زمان پس از آن، ممکن است برای خانواده خود سربار باشند.	A-14	نگاه‌های سنگین خانواده این مفهوم را دربردارد که تو سرباری ... این که به تو بگویند به جای تحصیل ازدواج کن، حتی با نگاه، خیلی سخت بود.
		A-11	من دقیقاً در تمام مدتی که برای کنکور درس می‌خواندم چنین حسی داشتم. حتی یک بار یکی از اقوام این قضیه را علناً گفت.
تیره‌روزی	بسیاری از پاسخگویان اشاره کرده‌اند که آنها گاهی عمیقاً	A-4	بسیار پیش آمده است که من احساس تیره‌روزی کرده باشم. دلیلش هم

مقاله	شرح	پاسخگو	مثال
	احساس تیره‌روزی یا بدبختی می‌کرده‌اند. این حس به دلایل مختلف از جمله به دلیل ضعف پایگاه اجتماعی - اقتصادی خانواده از یک سو و احتمال ناتوانی دانش‌آموزان در موفقیت تحصیلی از سوی دیگر رخ می‌داده است.		این است که می‌دیدم خانواده من با چه سختی‌هایی کار می‌کنند اما من درس می‌خوانم و چند سال است که به نتیجه نمی‌رسم.
		A-12	بیچارگی در این است که تو می‌بینی کنکور خیلی سخت است و تو از عهده‌اش بر نمی‌آیی. از آن طرف هم می‌بینی خانواده‌ات در فشار هستند و تو باید کار کنی تا بتوانی به آنها کمک کنی ولی کاری نمی‌توانی پیدا کنی.
ترس از عدم موفقیت	یک تجربه مشترک در میان اکثر پاسخگویان ترس از عدم موفقیت بوده است. آنها علاوه بر نگرانی از زمان از دست رفته، نگران آسیب‌هایی که در این مدت خانواده آنها متحمل شده‌اند نیز می‌باشند.	A-2	خیلی نگران بودم که مبادا قبول نشوم در کنکور. یک ماهه بعد از آزمون من واقعاً چند کیلو کم کردم. چون نگران این بودم که مبادا قبول نشوم و آن وقت جواب خانواده را چه باید می‌دادم.
		A-7	من از این می‌ترسیدم که قبول نشوم و آن وقت چطور می‌توانم به روی مردم و بقیه نگاه کنم، تو روی دوستام، خانواده، فامیل و ... بایستم و به آنها بگویم که قبول نشدم در واقع ترس از بی‌آبرویی و شرمندگی من می‌شد.
نداشتن حس خوب	اغلب پاسخگویان بیان کرده‌اند که حس خوبی در زمان آمادگی برای آزمون نداشته‌اند.	A-8	من خودم در تمام دوره کنکور حس بدی داشتم حس بد از این که قبول نشوم، از این که به عنوان مرد و سرپرست خانواده، هیچ وقت نتوانم مسئولیت یک زندگی را بر عهده بگیرم به خاطر این که درآمد خوبی نداشته باشم.
		A-13	کنکور حس‌های خوبی هم برای من داشت یک وقتایی که به قبولی فکر می‌کردم حس خوبی داشتم اما در مجموع حس منفی بیشتری داشت. و این حس منفی، خب، عوامل زیادی داشت. مثلاً این که اگر قبول نشوم باید بروم خدمت سربازی، یا این که اگر درس نخوانم کار خوب پیدا نمی‌کنم و نمی‌توانم ازدواج کنم و ...
		A-3	واقعاً کنکور حس منفی زیادی را در آدمی به وجود می‌آورد. مشکل هم صرفاً در قبول نشدن نیست، در واقع قبول نشدن یک طرف قبول شدن هم یک طرف. اگر قبول بشوی کجا قبول می‌شوی؟ آیا خوابگاه می‌دهند نمی‌دهند؟
رهاشدگی	برخی از پاسخگویان اشاره کرده‌اند که در زمانی که برای کنکور مطالعه می‌کرده‌اند احساس می‌کرده‌اند از سوی دیگران به ویژه خانواده رها شده‌اند.	A-1	من فکر می‌کنم در تمام مدتی که برای آزمون کنکور درس می‌خواندم از طرف خانواده‌ام رها شده بودم. نه این که به من توجه نکنند، نه، منظورم این است که باور نمی‌کردند که من قبول می‌شوم یا این که حتی فکر می‌کردند، درس خواندن، فایده‌ای ندارد و من دارم وقت خودم را می‌گیرم.
		A-2	خانواده من چون خودشان سواد درست و حسابی ندارند، فکر می‌کنند مطالعه من هم کاربردی ندارد و به نتیجه‌ای نمی‌رسد. شاید به همین خاطر حامی خوبی نبودند و حمایت عاطفی درستی از من نکردند.
تنهایی	احساس تنهایی، احساس دیگری است که بسیاری از پاسخگویان آن را به عنوان بخشی از تجربه زیسته خویش عنوان کرده‌اند. آنها تنهایی را به شیوه‌های مختلفی مطرح کرده‌اند. برخی گفته‌اند آنها از این که فعلاً مجبورند به صورت تنها درس بخوانند حس تنهایی می‌کنند در حالی که برخی به حس تنهایی واقعی‌تر اشاره کرده‌اند و گفته‌اند از زمانی که برای آزمون موردنظرشان درس می‌خوانند برخی از دوستان خود را از دست داده‌اند.	A-12	تقریباً همه دوستانم از کنارم رفته‌اند. دوستی ندارم زیرا زمانی که به من یا به کمک من احتیاج داشتند من در کنارشان نبودم و مشغول درس خواندن بودم به همین خاطر الان هم احساس نمی‌کنم با وجود این که کنکور تمام شده است من بتوانم رابطه‌ام را با آنها تجدید کنم.
		A-5	کنکور احساس تنهایی زیادی در من به وجود آورد. به خاطر این که در مدت درس خواندنم، رابطه‌ام با بقیه ضعیف و تقریباً اندک بود، به همین خاطر الان هم حس تنهایی دارم.
		A-6 A-4	در تمام مدتی که برای کنکور می‌خواندم احساس تنهایی می‌کردم تقریباً.

مقاله	شرح	پاسخگو	مثال
			چون با کسی برخورد و بازدید نداشتم دوستانم هم خودشان مشغول درس خواندن برای آزمون بودند و به همین خاطر ما اصلاً همدیگر را نمی‌دیدیم یا این که خیلی کم هم را می‌دیدیم. تازه این رویارویی‌ها هم خیلی کم اتفاقی می‌افتاد مثلاً ماهی یک بار در حالی که قبل از آن من هر روز با آنها (دوستانم) بودم.
مقاومت و پافشاری	تقریباً تمام دانشجویان که در زمان مصاحبه مشغول به تحصیل در یکی از دانشگاه‌های کشور بوده‌اند در مورد کیفیت خواندن و مطالعه در زمان آمادگی برای کنکور گفته‌اند که علی‌رغم تمام مشکلات و دشواری‌ها در زمان کنکور، آنها می‌کوشیدند با مقاومت و پافشاری، بر مشکلات غلبه کنند.	A-5	اراده خیلی قوی‌ای می‌خواهد تا بتوانی با وجود مشکلات اقتصادی و خانوادگی بر آنها غلبه کنی و بتوانی در کنکور رتبه مطلوب خودت را که انتظارش را هم می‌کشی به دست آوری.
		A-7	من خیلی پافشاری کردم. مشکلات زیاد بود مشکلات فردی و شخصی، خانوادگی، اقتصادی، زخم زبان‌های دیگران و ... من حتی در زمانی که برای کنکور درس می‌خواندم، کار هم می‌کردم البته به صورت ساعتی و موقت ولی می‌خواهم بگویم با چه سختی‌هایی رو به رو بودم و دست از تلاش برنداشتم.
		A-15	مشکلات زیادی وجود داشت چه از لحاظ درسی و چه از لحاظ خانوادگی. به لحاظ درسی، باید بگویم گاهی کتاب‌ها را نداشتم و باید از دوستانم قرض می‌کردم، گاهی مطالب را نمی‌فهمیدم و باید سراغ این و آن می‌رفتم تا آن را یاد بگیرم. گاهی دوستانم برای بازگرداندن کتاب عجله داشتند. از لحاظ مشکلات خانوادگی هم اول مشکل مالی بود بعد مشکل درک و فهم. پدر و مادرم من را به اندازه کافی درک نمی‌کردند و مثلاً می‌گفتند کنکور بدهی که چه؟ دانشگاه بروی که چه؟ برو خدمت و ...
هیجان	برخی از پاسخگویان گفته‌اند که کنکور هیجان خاصی برای ایشان داشته که گاهی حس مثبتی را به آنها القاء می‌نموده است. این حس خود دربرگیرنده دو جنبه شوق و اشتیاق برای قبول شدن و ترس از رد شدن در کنکور بوده است.	A-3	کنکور هیجان خاصی داشت و این هیجان نه تنها در سر جلسه آزمون، بلکه در کل مدتی که من برای آزمون می‌خواندم نیز پابرجا بود.
		A-9	کنکور در کنار تمام سختی‌هایی که دارد هیجان هم داشت. مثلاً امید قبول شدن هم وجود داشت و این می‌شد نیروی مثبت یا همان هیجان.
ضعف جسمانی	برخی از پاسخگویان به ضعف‌هایی اشاره می‌کردند که در طول مدت مطالعه ایشان برای کنکور بر آنان غلبه می‌نمود. این ضعف‌ها اغلب جسمانی بوده و احتمالاً در نتیجه سوء تغذیه یا تغذیه ضعیف برخی از پاسخگویان در آنها رخ می‌داده است.	A-4	بارها پیش می‌آمد که به من ضعف دست می‌داد ... من پدرم کارگر بود و ما وضع مالی خوبی نداشتیم اما در عین حال من ساعت‌ها درس می‌خواندم و مجبور بودم کار کنم و تغذیه خوبی نداشتم.
		A-2	حس ضعف کردن در زمان کنکور امری عادی بود برای من و فکر می‌کنم برای همه کسانی که به اندازه من درس خواندند. دلیلش هم در نحوه خواندن بود. من برای طولانی مدت درس می‌خواندم.
بیماری	برخی از پاسخگویان اشاره کرده‌اند که دچار بیماری شده‌اند که آن را به مطالعه زیاد یا دیگر عوامل مرتبط با مطالعه نسبت می‌دهند. آنها معتقدند درس زیاد و تغذیه ضعیف آنها را دچار ضعف یا بی‌حالی و ... می‌کرده است.	A-16	من یکی دو بار مبتلا شدن به بیماری را تجربه کردم طوری که دکتر رفتم و دارو دریافت کردم، این بیماری‌ها به خاطر کنکور بود به خاطر استرس، ترس، نگرانی، دلهره، اضطراب، هیجان و ...
		A-14	بیماری خیلی به ندرت رخ می‌دهد ولی من به خاطر استرس دو سه مرتبه مریض شدم.
مصرف مواد یا دارو	مصرف مواد یک تجربه مهم در میان دختران و پسرانی است که به منظور موفقیت در کنکور مطالعه می‌کرده‌اند. این دسته از پاسخگویان معتقد بوده‌اند به دلیل دشواری خود کنکور یا آثار ناشی از آن، یا اوضاعی که آنها داشته‌اند (نظیر مشکلات خانوادگی و ...) آنها به مصرف برخی از	A-7	من فقط دارو می‌خوردم. آن هم داروهای شادی‌آور. داروهای تمرکز حواس مثل ریتالین هم می‌خوردم. ولی بیشتر قرص‌های روان‌گردان برای افزایش رسیدن به شادی مصرف می‌کردم.
		A-4	من تریاک مصرف می‌کردم. البته خیلی کم. چون واقماً حس می‌کردم به این مقدار مواد نیاز داشتم به خاطر مشکلاتی که به خاطر سختی کنکور به

مقاله	شرح	پاسخگو	مثال
	انواع مواد روی آورده‌اند.		خاطر مشکلات خانواده.
خودکشی	خودکشی دیگر گرایشی است که تعداد اندکی از پاسخگویان، به آن فکر می‌کرده‌اند. البته این افکار تنها یکی دو مرتبه به سراغ آنان آمده است این مسئله می‌تواند حاکی از دشواری‌هایی باشد که در زمان کنکور بر این دسته از دانش‌آموزان وارد آمده است.	A-9	خودکشی گاهی به سراغ من می‌آمد. گاهی واقعاً به این نتیجه می‌رسیدم که بهتر است به زندگی خودم خاتمه دهم و یک بار از این که به این نتیجه رسیدم احساس خوشحالی می‌کردم که چنین راهکاری هم وجود دارد. برای این که مادرم مجبور بود کار کند، خواهرم مریض بود و من باید با پولی که دیگران کار کرده بودند فقط درس می‌خواندم.
درد جسمانی یا عضلانی	درد جسمانی از دیگر تجربیاتی است که پاسخگویان به آن اشاره کرده‌اند. منظور این بوده که آنها گاهی در نتیجه مداومت در مطالعه دچار درد جسمی یا عضلانی می‌شده‌اند.	A-8	من به خاطر تمام مدتی که روی زمین می‌نشستم دچار دردهای کمر و پا و زانو شدم و این دردها هنوز هم با من همراه است.
خواب آشفته	خواب آشفته، تجربه بسیاری از پاسخگویانی بوده است که در حال آمادگی و درس خواندن برای کنکور بوده‌اند. این پاسخگویان بر این باور بوده‌اند که آنها در نتیجه استرس شدید کنکور، خواب‌های ناآرامی داشته‌اند.	A-16	من هم استرس داشتم هم این که مشخص نبود که قبول می‌شوم یا نه، به همین خاطر خواب‌های آشفته و پریشان زیادی می‌دیدم یادم هست خواب تکراری می‌دیدم.
		A-10	خواب می‌دیدم که قبول شده‌ام اما خانواده‌ام نمی‌گذارند که من بروم دانشگاه یا خواب می‌دیدم که خانواده‌ام نمی‌گذارند من سر جلسه کنکور بروم.
گفتگو با جنس مخالف	صحبت کردن با جنس مخالف یک تجربه رایج میان اغلب پاسخگویان بوده است. به اعتقاد این گروه، آنها با صحبت کردن با جنس مخالف، به آرامش دست می‌یافته‌اند و با وعده‌هایی که به یکدیگر می‌داده‌اند همدیگر را برای رسیدن به نتیجه یاری می‌نموده‌اند.	A-10	من چون دوستم هم مثل من کنکور داشت هر دو تای ما روزی حداقل یکی دو بار و به مدت حداقل یک ساعت با هم صحبت می‌کردیم و در مورد تفریح‌هایی که در آن موقع به خاطر کنکور از آن محروم بودیم صحبت می‌کردیم. این که چطور می‌توانیم این خلاها را جبران کنیم.
اشتغال به کار محدود	برخی از پاسخگویان که البته تعداد آنان بسیار کم است به کار کردن در محیط جامعه اشاره کرده‌اند. این افراد گفته‌اند به خاطر مشکلات خانوادگی، مجبور بوده‌اند علاوه بر درس خواندن و آماده‌سازی خویش برای کنکور، در محیط جامعه نیز فعالیت اقتصادی انجام دهند که همین مسئله، وقت آنها را برای مطالعه کم می‌کرده است.	A-2	من به خاطر شرایط اقتصادی خانواده‌ام کار می‌کردم. کار سبکی داشتم و درآمد ناچیزی داشت که آن را هم به خانواده می‌دادم و برای خودم چیزی بر نمی‌داشتم.
		A-6	در یک لباس فروشی مشغول کار بودم و ماهانه درآمدش را کتاب می‌خریدم، جزوه می‌گرفتم و ...
تغذیه و خواب نامناسب	برخی از پاسخگویان مورد مطالعه در این پژوهش به تغذیه و خواب نامناسب یا کم و ضعیف اشاره کرده‌اند. به بیان آنها شرایط کنکور از یک سو و ضعف اقتصادی در خانواده آنها از سوی دیگر مانع از برخورداری آنها از خواب و تغذیه مناسب می‌شده است.	A-4	من تغذیه ضعیفی داشتم چون چیزهای خوبی برای خوردن نداشتم ...
		A-5	تغذیه برای کنکور خیلی مهم است اما من تغذیه خوبی نداشتم البته نه به خاطر این که وضعیت مالی خوبی نداریم بلکه به خاطر این که شعور فرهنگی در خانواده ما پایین بود. توجه کم آنها نسبت به من، مانع از آن می‌شد که حتی آرامش و در نتیجه خواب کافی داشته باشم.
عدم امکان تامین نیازهای مالی	عدم امکان تامین نیازهای مالی پاسخگویان از سوی خانواده، معضلی است که به آن اشاره شده است. پاسخگویان گفته‌اند در رابطه با کنکور نیازمند هزینه‌هایی بوده‌اند که گاهی بخشی یا تمام آنها از سوی والدین بدون تامین باقی مانده است.	A-4	خانواده من ماهانه کافی به من نمی‌دادند. البته نه این که نخواهند بلکه نداشتند... البته یک مقداری می‌دادند اما برای مخارج من که به دنبال کلاس کنکور بودم کافی نبود.
		A-13	اگر بودجه بود شاید من الان خیلی زودتر به خواسته‌هایم می‌رسیدم یا این که حداقل راحت‌تر به آنها می‌رسیدم.
کمبود امکانات آموزشی	اکثر پاسخگویان از کمبود امکانات آموزشی در رابطه با مطالعات خویش سخن گفته‌اند. این امکانات می‌تواند عمومی یا شخصی باشد.	A-18	امکانات آموزشی در شهر ما خیلی کم بود. خانواده ما هم به دلیل ضعف مالی نتوانستند کمک درست و حسابی به من بکنند. به همین خاطر من با کمبود این ابزارها رو به رو بودم امکانات آموزشی نداشتم.
کتاب، جزوه و	برخی از پاسخگویان اعلام کرده‌اند که کتاب یا جزوه از	A-2:	خب کتاب زیاد لازم بود برای موفقیتی که من انتظار داشتم در کنکور اما

مقاله	شرح	پاسخگو	مثال
... عاریه‌ای	دیگران امانتی دریافت می‌کرده‌اند.		آنها را نداشتیم به همین خاطر مجبور بودم آنها را امانت بگیرم از کتابخانه یا دوستان.
		A-1	پدر و مادرم درک کافی را نداشتند برای این که لااقل هزینه‌های تامین مالی برای خرید کتاب من را بدهند. یعنی فکر می‌کردند قبول شدن در کنکور تنها از طریق درس خواندن رخ می‌دهد و نیازی به خرید کتاب نیست.
		A-6	ما کتاب‌های زیادی لازم داشتیم به همین خاطر هر نفر از دوستانم یک کتاب را می‌خرید و بعد بین ما می‌چرخید.
ایجاد فرصت برای تحقق بخشیدن به خود	اکثر پاسخگویان در بخشی از تجربه خویش به احساس تحقق بخشیدن به خود اشاره کرده‌اند. آنها می‌گفته‌اند که در زمان خواندن، به این می‌اندیشیده‌اند که در صورت قبولی می‌توانند به آرمان‌های خود تحقق ببخشند.	A-4	من کنکور را فرصتی می‌دیدم که اگرچه سختی‌های زیادی داشت اما از طریق آن می‌توانم خودم را به ایده‌هایم، به آرمان‌هایم و به آرزوهایم برسانم.
مطالعه در کتابخانه‌های دولتی و عمومی	اغلب پاسخگویان گفته‌اند که در زمان مطالعه، در کتابخانه‌های عمومی درس می‌خوانده‌اند و توان تحصیل در مکان‌های دیگر نظیر کلاس‌های خصوصی و ... را نداشته‌اند.	A-16	من در کتابخانه شهر درس می‌خواندم. درست‌اش این بود که در اتاق خصوصی‌ام درس بخوانم اما به خاطر محیط پر سروصدای خانه (چون تعداد ما زیاد است) در آن جا درس می‌خواندم.
مطالعه تیمی	برخی از دانش‌آموزان به مطالعه تیمی در زمان کنکور اشاره کرده‌اند. به اعتقاد این گروه، آنها به صورت گروهی مطالعه می‌کرده‌اند تا هم درس را بهتر یاد بگیرند و هم نکات خویش را به دیگران عرضه کنند.	A-14	من جمعی درس می‌خواندم. چون وقتی گروهی درس می‌خواندیم هم حوصله‌ام بیشتر می‌کشید هم بهتر می‌توانستم نکات مفید را از بقیه گروه یاد بگیرم.
محیط پر سروصدا	برخی از پاسخگویان درس خواندن در محیط شلوغ و پر سروصدا را بخشی از تجربه زیسته خویش عنوان می‌کنند.	A-13	خانه ما مکان شلوغی داشت به خاطر این که پدر و مادرم نوه‌دار هستند و خواهر و برادرم می‌آمدند خانه ما.
		A-11	همیشه مهمان داشتیم در چنین فضایی من باید درس می‌خواندم. فکر می‌کنم دلیل عدم موفقیتیم در سال نخست هم همین باشد این که ما در خانه همیشه مهمان زیاد داشتیم.
اعتقادات وسیع	یک پدیده رایج در میان پاسخگویان، روی آوردن به دعا و اذکیه برای بالا بردن شانس و احتمال قبولی خود در کنکور یا دریافت آرامش در طول زمان مطالعه برای کنکور بوده است.	A-13	زیاد دعا می‌کردم از خدا می‌خواستم که کمک کند من در کنکور قبول شوم. حتی نذر هم کرده بودم.
		A-6	دعا نقش کمک‌کننده‌ای در زندگی هر فرد کنکوری دارد حتی به نظرم کسانی که اعتقادات دینی ندارند به دعا روی می‌آورند.
تعدد نقش‌ها و مسئولیت‌ها	برخی از پاسخگویان از تعدد نقش‌ها و مسئولیت‌هایی گفته‌اند که در زمان کنکور یا حتی قبل از آن بر عهده آنان بوده است. مثلاً برخی از پاسخگویان اشاره کرده‌اند که در زمانی که برای کنکور فعالیت می‌کرده‌اند، عضو بسیج مدرسه نیز بوده‌اند یا برخی گفته‌اند که در خارج از منزل کار می‌کرده‌اند تا تامین معاش خانواده راحت‌تر صورت بگیرد.	A-7	وظایف نسبتاً زیادی بر گردن من بود. من باید بیرون کار می‌کردم. برای خانه خرید می‌کردم کارهای دیگر هم بود. درس هم می‌خواندم.
		A-6	وظایف خانواده تقسیم شده بود بین ما و بخشی از آن هم با من بود. وظیفه مراقبت از فرزند کوچک خانواده هم با من بود باید درس هم می‌خواندم برای کنکور.
برنامه‌ریزی	آن‌گونه که پاسخگویان بیان کرده‌اند، برنامه‌ریزی، عنصری اساسی در فعالیت کنکوری آنها بوده است.	A-17	من برنامه‌ریزی‌های متعددی داشتم برای کنکور.
		A-5	من یک برنامه‌ریزی جامع کردم برای کنکور. یعنی یک مشاور مخصوص تو فلان موسسه کنکور داشتم البته ایشان فقط به من مشاوره می‌داد و من به خاطر ضعف مالی، نمی‌توانستم بقیه خدمات را از آنها دریافت کنم چون وسع مالی ما خوب نبود، نمی‌توانستم خدمت زیادی دریافت کنم از
دریافت مشاوره	برخی از پاسخگویان اشاره کرده‌اند که از سازمان‌ها یا افراد	A-17	

مقاله	شرح	پاسخگو	مثال
	دیگر مشاوره دریافت می‌کرده‌اند و این مشاوره‌ها می‌توانسته است در برنامه‌ریزی‌های آنان کارساز باشد.		این موسسات ولی مشاوره دریافت می‌کردم.
		A-9	من مشاور اختصاصی نداشتم اما از بعضی از افراد فامیل یا دانش‌آموزان سال‌های بالایی که رتبه‌های نسبتاً خوبی آورده بودند سوال می‌کردم تا بتوانم مشاوره‌های خوبی را دریافت کنم.
سازگاری و مدارا	برخی از پاسخگویان به سازگاری کردن با مشکلات اشاره می‌کنند.	A-4	چاره‌ای نبود جز این که با هر سختی و مشکل کنار بیاییم و بسازیم و گرنه باید قید کنکور را می‌زدیم.
انتظارات	برخی از پاسخگویان به انتظاراتی اشاره کرده‌اند که دیگران از آنها برای قبول شدن در کنکور داشته‌اند. آنها این انتظارات را گاهی زیاد می‌دانسته‌اند و اشاره کرده‌اند که این حجم از انتظارات، استرس آنها را افزایش می‌داده است.	A-3	همه انتظار داشتند من پزشکی قبول شوم.

## تحلیل داده‌ها

همچنان که یافته‌ها نشان داده‌اند کدهای اولیه زیادی از میان مصاحبه‌های پاسخگویان در رابطه با تجربه زیسته دانش‌آموزان موفق در آزمون کنکور با پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیف شناسایی شدند. این مولفه‌ها می‌توانند به مضامین فرعی و سپس مقولات اصلی تبدیل شوند. جدول ۳ نشان می‌دهد که این مولفه‌ها به مقولات فرعی و سپس مقولات اصلی تبدیل شده‌اند:

جدول ۳: مقولات اصلی و فرعی

تجربیات عینی	تجربیات ذهنی
سازگاری و مدارا	انتظارات
دریافت مشاوره	معضل بودن کنکور
برنامه‌ریزی	اعتقادات وسیع
محیط پرسروصدا	ایجاد فرصت برای تحقق بخشیدن به خود
مطالعه تیمی	کمبود امکانات آموزشی
مطالعه در کتابخانه‌های دولتی و عمومی	خودکشی
کتاب، جزوه و ... عاریه‌ای	هیجان
عدم امکان تامین نیازهای مالی	حس تنهایی
تغذیه و خواب نامناسب	حس رهاشدگی
اشتغال به کار محدود	نداشتن حس خوب
گفتگو با جنس مخالف	ترس از عدم موفقیت
خواب آشفته	حس تیره‌روزی
درد جسمانی یا عضلانی	حس سرباری
مصرف مواد یا دارو	احساس گناه
بیماری	احساس حقارت
ضعف جسمانی	
مقاومت و پافشاری	
دریافت حمایت کم	
عزت نفس پایین	
خستگی	



تجربیات ذهنی	تجربیات عینی
	افسردگی
	تجربه استرس
	تجربه بیداری‌های بلندمدت (کم خوابی)
	حبس شدن در خانه
	کاهش ارتباطات اجتماعی
	عدم مشارکت در فعالیتهای فردی و جمعی
	کاهش توجه به نیازهای فردی
	کاهش شادی، تفریح و استراحت
	کاهش هم‌دلی با دیگران

مقولات جدول بالا نشان می‌دهند که هر یک از مولفه‌های طراحی و استخراج شده قابل تبدیل یا قرارگیری در قالب دو مقوله اصلی تجربیات عینی و تجربیات ذهنی می‌باشد. با این وجود به نظر می‌رسد که هنوز می‌توان آنها را به مقولات جزئی‌تر تبدیل نمود:

#### جدول ۴: تبدیل مقولات فرعی به مقولات اصلی

تجربیات مثبت	تجربیات منفی
سازگاری و مدارا	انتظارات زیاد
دریافت مشاوره	معضل بودن کنکور
برنامه‌ریزی	محیط پرسروصدا
اعتقادات وسیع	کاهش شادی، تفریح و استراحت
ایجاد فرصت برای تحقق بخشیدن به خود	عدم امکان تامین نیازهای مالی
مطالعه تیمی	کمبود امکانات آموزشی
مطالعه در کتابخانه‌های دولتی و عمومی	خودکشی
هیجان	تغذیه و خواب نامناسب
گفتگو با جنس مخالف	حس تنهایی
مقاومت و پافشاری	حس رهاشدگی
کتاب، جزوه و ... عاریه‌ای	نداشتن حس خوب
اشتغال به کار	ترس از عدم موفقیت
	حس تیره‌روزی
	حس سرباری
	احساس گناه
	احساس حقارت
	بیماری
	خواب آشفته
	درد جسمانی یا عضلانی
	مصرف مواد یا دارو
	حبس شدن در خانه
	ضعف جسمانی
	دریافت حمایت کم

تجربیات مثبت	تجربیات منفی
	عزت نفس پایین
	خستگی
	افسردگی
	تجربه استرس
	تجربه بیداری‌های بلندمدت (کم‌خوابی)
	کاهش هم‌دلی با دیگران
	کاهش ارتباطات اجتماعی
	عدم مشارکت در فعالیت‌های فردی و جمعی
	کاهش توجه به نیازهای فردی

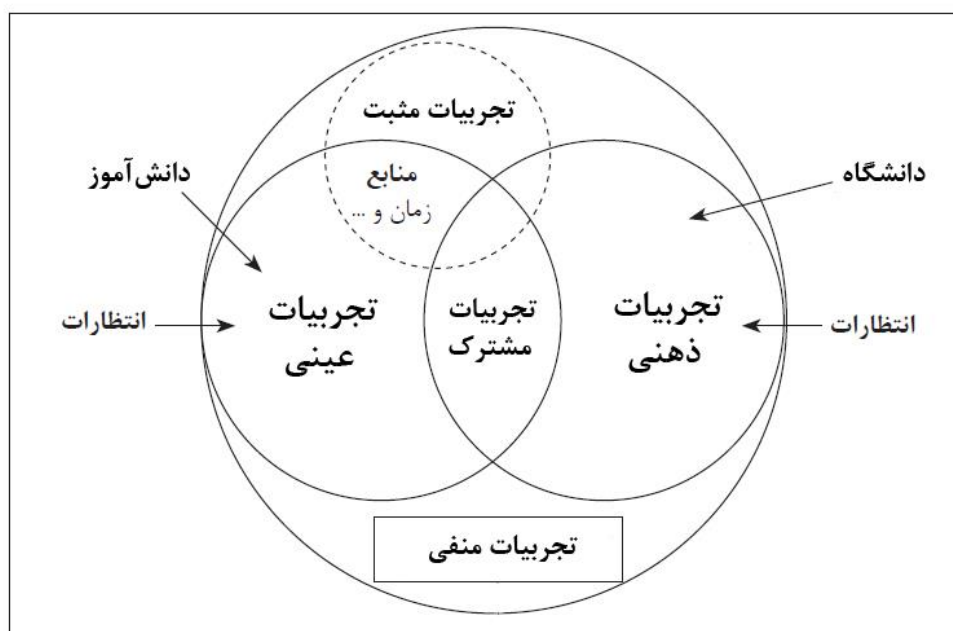
اکنون می‌توان تجربیات مثبت و منفی و تجربیات ذهنی و عینی را در هم ترکیب نموده و جدول نهایی که در بردارنده هر دو گروه از مقولات (۴ مقوله اصلی) می‌باشد را ارائه نمود. در این صورت ۴ گروه از مقولات شکل می‌گیرند که از ترکیب ۲ دو طیف اصلی عینی-ذهنی و مثبت-منفی حاصل می‌شوند.

جدول ۵: قرارگیری متقاطع مقولات

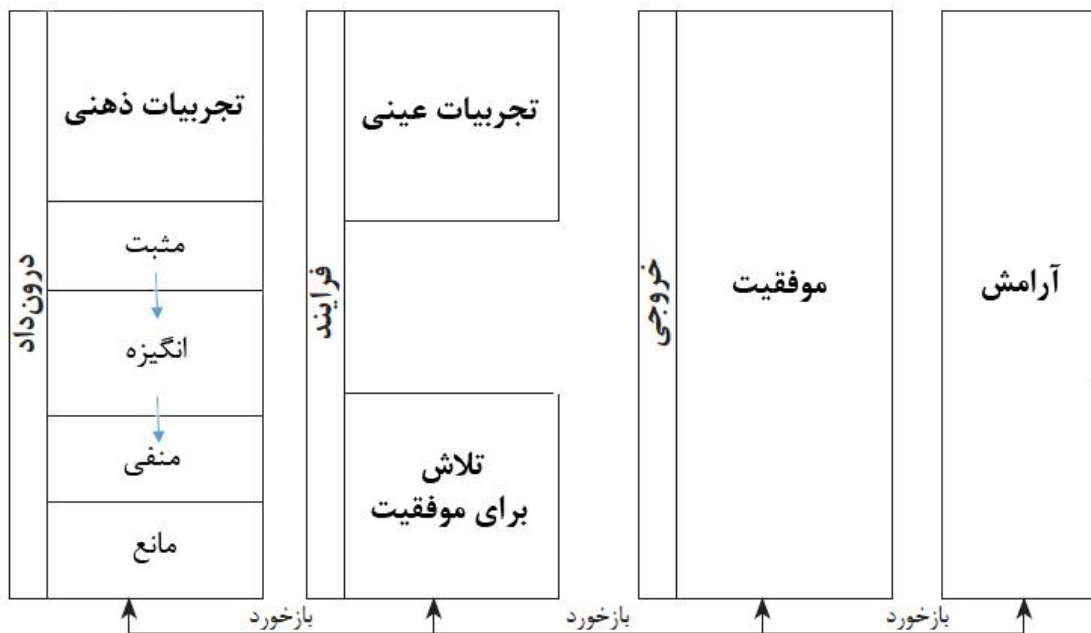
تجربیات مثبت	تجربیات عینی	تجربیات ذهنی
<p>سازگاری و مدارا</p> <p>دریافت مشاوره</p> <p>برنامه‌ریزی</p> <p>مطالعه تیمی</p> <p>مطالعه در کتابخانه‌های دولتی و عمومی</p> <p>کتاب، جزوه و ... عاریه‌ای</p> <p>اشتغال به کار محدود</p> <p>گفتگو با جنس مخالف</p>	<p>هیجان</p> <p>ایجاد فرصت برای تحقق بخشیدن به خود</p> <p>اعتقادات وسیع</p>	<p>مثبت</p>
<p>ضعف جسمانی</p> <p>مقاومت و پافشاری</p> <p>دریافت حمایت کم</p> <p>عزت نفس پایین</p> <p>خستگی</p> <p>افسردگی</p> <p>تجربه استرس</p> <p>تجربه بیداری‌های بلندمدت (کم‌خوابی)</p> <p>حبس شدن در خانه</p> <p>کاهش ارتباطات اجتماعی</p> <p>محیط پرسروصدا</p> <p>عدم مشارکت در فعالیت‌های فردی و جمعی</p> <p>کاهش توجه به نیازهای فردی</p> <p>کاهش شادی، تفریح و استراحت</p> <p>کاهش هم‌دلی با دیگران</p>	<p>انتظارات زیاد</p> <p>معضل بودن کنکور</p> <p>حس تیره‌روزی</p> <p>حس سرباری</p> <p>احساس گناه</p> <p>احساس حقارت</p> <p>کمبود امکانات آموزشی</p> <p>خودکشی</p> <p>حس تنهایی</p> <p>حس رهاشدگی</p> <p>نداشتن حس خوب</p> <p>ترس از عدم موفقیت</p>	<p>منفی</p>

تجربیات ذهنی	تجربیات عینی	
	عدم امکان تامین نیازهای مالی تغذیه و خواب نامناسب خواب آشفته درد جسمانی یا عضلانی مصرف مواد یا دارو بیماری	

داده‌های جدول بالا نشان می‌دهند که ترکیب دوتائی منجر به تقسیم مقولات در طبقه‌ها می‌گردد.



شکل ۱: مدل رابطه میان مولفه‌ها و مقولات



شکل ۲: نحوه تاثیرگذاری متغیرها

شکل‌های بالا نشان می‌دهند که چه رابطه‌ای میان مولفه‌ها برقرار است. این یافته‌ها نشان می‌دهند که فرایند تجربه زیسته پاسخگویان از تجربیات عینی شروع شده و به موفقیت در کنکور و در نهایت وارد شدن به دانشگاه خاتمه می‌یابد.

### مروری بر یافته‌ها

در این پژوهش محقق با ۱۸ نفر از دانش‌آموزان موفق به لحاظ تحصیلی که پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیفی داشته‌اند مصاحبه کرده است. هدف، کشف تجربه زیسته آنها بوده است. این ۱۸ نفر به شکل هدفمند برگزیده شده‌اند. به این معنا که محقق به صورتی عامدانه، سراغ آن دسته از دانشجویانی رفته است که اولاً پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیفی داشته و ثانیاً رتبه‌های مطلوبی در کنکور آورده‌اند. منظور از رتبه مطلوب، کسب رتبه کشوری حداکثر دو رقمی (زیر ۱۰۰) برای رشته‌های هنر و فنی و رتبه‌های سه‌رقمی (زیر ۱۰۰۰) برای رشته تجربی یا ریاضی می‌باشد. از این میان، ۶ نفر از رتبه‌های انسانی، ۶ نفر تجربی، ۴ نفر ریاضی و ۲ نفر هنر بوده‌اند که در سال ۱۳۹۸ جزء رتبه‌های برتر انسانی نیز محسوب شده‌اند. میانگین درآمد خانواده‌های این افراد کمتر از دو میلیون و پانصد هزار تومان بوده است. میزان تحصیلات والدین نیز از بی‌سواد تا حداکثر لیسانس را دربر می‌گرفت. به لحاظ شغلی نیز اکثر افراد، والدینی با مشاغل آزاد و غیردولتی و کم‌درآمد داشته‌اند. این مشاغل از مجموعه کارگری تا مشاغل نسبتاً بالاتر را دربر گرفته است. اکثر دانش‌آموزان به لحاظ سنی بین ۱۸ تا ۲۰ سال بوده و تعداد کمی از آنها (۲ مورد) بالای ۲۰ سال بوده و برای چندمین بار در کنکور شرکت می‌کرده‌اند. این دانش‌آموزان متعلق به شهرهای مختلف استان کرمانشاه بوده‌اند. شهرهای پاوه، جوان‌رود، روانسر، هرسین، صحنه، اسلام‌آباد غرب، کرمانشاه، گوار، سرپل ذهاب، قصرشیرین، کنگاور و ثلاث باباجانی در زمره این شهرها قرار دارند که از اکثر آنها یک نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب گردید. شهر کرمانشاه دارای بیشترین تعداد نمونه برای مصاحبه بوده است. سرانجام این که از میان

نمونه آماری، ۱۰ نفر دختر و ۸ نفر پسر بوده‌اند. از میان ۱۸ نفر پاسخگویان مورد مطالعه، ۶ نفر دارای والدین بی‌سواد، ۲ نفر ابتدائی، ۳ نفر سیکل، ۴ نفر دیپلم، ۲ نفر فوق دیپلم و ۱ نفر لسیانس بوده‌اند. همچنین درآمد والدین ۱۲ نفر از دانش‌آموزان کم، ۵ نفر متوسط و ۱ نفر زیاد بوده است. این داده‌ها به همراه شغل والدین که اکثراً آزاد و ضعیف می‌باشد نشان می‌دهد که پاسخگویان مورد مطالعه، پایگاه اجتماعی-اقتصادی ضعیفی داشته‌اند.

داده‌های استخراج شده در رابطه با تجربه زیسته پاسخگویان مورد مطالعه نشان می‌دهد که ۴۵ مولفه از میان مصاحبه‌ها قابل شناسایی می‌باشد. این ۴۵ مولفه عبارتند از سازگاری و مدارا، دریافت مشاوره، برنامه‌ریزی، محیط پرسروصدا، مطالعه تیمی، مطالعه در کتابخانه‌های دولتی و عمومی، کتاب، جزوه و ... عاریه‌ای، عدم امکان تامین نیازهای مالی، تغذیه و خواب نامناسب، اشتغال به کار محدود، گفتگو با جنس مخالف، خواب آشفته، درد جسمانی یا عضلانی، مصرف مواد یا دارو، بیماری، ضعف جسمانی، مقاومت و پافشاری، دریافت حمایت کم، عزت نفس پایین، خستگی، افسردگی، تجربه استرس، تجربه بیداری‌های بلندمدت (کم‌خوابی)، حبس شدن در خانه، کاهش ارتباطات اجتماعی، عدم مشارکت در فعالیت‌های فردی و جمعی، کاهش توجه به نیازهای فردی، کاهش شادی، تفریح و استراحت، کاهش هم‌دلی با دیگران، انتظارات، معضل بودن کنکور، اعتقادات وسیع، ایجاد فرصت برای تحقق بخشیدن به خود، کمبود امکانات آموزشی، خودکشی، هیجان، حس تنهایی، حس رهاشدگی، نداشتن حس خوب، ترس از عدم موفقیت، حس تیره‌روزی، حس سرباری، احساس گناه و احساس حقارت.

پس از شناسایی مولفه‌های مصاحبه‌ها، محقق آنها را در قالب دو مقوله اصلی تجربه ذهنی-عینی و تجربیات مثبت-منفی قرار داده است. بر این اساس ۴ حالت تجربه عینی-مثبت، تجربه عینی-منفی، تجربه ذهنی-مثبت و تجربه ذهنی-منفی شکل گرفت. هر یک از مولفه‌های سازگاری و مدارا، دریافت مشاوره، برنامه‌ریزی، مطالعه تیمی، مطالعه در کتابخانه‌های دولتی و عمومی، کتاب، جزوه و ... عاریه‌ای، اشتغال به کار محدود و گفتگو با جنس مخالف به عنوان تجربیات عینی مثبت، مولفه‌های هیجان، ایجاد فرصت برای تحقق بخشیدن به خود و اعتقادات وسیع به عنوان تجربیات ذهنی مثبت، مولفه‌های ضعف جسمانی، مقاومت و پافشاری، دریافت حمایت کم، عزت نفس پایین، خستگی، افسردگی، تجربه استرس، تجربه بیداری‌های بلندمدت (کم‌خوابی)، حبس شدن در خانه، کاهش ارتباطات اجتماعی، عدم مشارکت در فعالیت‌های فردی و جمعی، کاهش توجه به نیازهای فردی، کاهش شادی، تفریح و استراحت، کاهش هم‌دلی با دیگران، عدم امکان تامین نیازهای مالی، تغذیه و خواب نامناسب، خواب آشفته، درد جسمانی یا عضلانی، مصرف مواد یا دارو، بیماری و محیط پرسروصدا به عنوان تجربیات عینی منفی و مولفه‌های انتظارات زیاد، معضل بودن کنکور، حس تیره‌روزی، حس سرباری، احساس گناه، احساس حقارت، کمبود امکانات آموزشی، خودکشی، حس تنهایی، حس رهاشدگی، نداشتن حس خوب و ترس از عدم موفقیت به عنوان تجربیات ذهنی منفی شناسایی شدند.

بر این اساس مدلی طراحی گردید که رابطه میان این مولفه‌ها را نشان می‌دهد. بر اساس این رابطه، تجربیات ذهنی مثبت، باعث ایجاد انگیزه در دانش‌آموز می‌گردد و این انگیزه، به عنوان سائق عملی دانش‌آموز عمل می‌کند. اما در ادامه، بروز تجربیات منفی، منجر به تجربه احساسات بد یا تجدید نظر در فرآیند مطالعه می‌گردد و ممکن است سائق‌های منفی، دانش‌آموز را به سمت صرف نظر کردن از آزمون دانشگاهی سوق دهند. در مقابل، چنانچه تجربیات مثبت، بر تجربیات منفی غلبه یابد، فرد در آزمون موفق شده و به خواسته خویش دست می‌یابد. در این صورت، دانش‌آموز، طیفی از آرامش را تجربه می‌کند که به او احساس مثبتی می‌بخشد. پاسخگویان همچنین اشاره کرده‌اند که نتیجه و تجربه مثبت دریافت شده توسط آنها در آزمون حساسی نظیر کنکور، توانسته است آنها را به منبعی برای دیگران تبدیل سازد. به این معنا که افراد زیادی بوده‌اند که خواهان تجربه زیسته آنان بوده‌اند تا بتوانند از آن در مسیر بهبود وضعیت علمی خویش بهره بگیرند.

## بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور مطالعه تجربه زیسته دانش‌آموزان موفق با پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیف طراحی و تدوین شد. مقصود، این است که مشخص گردد دانش‌آموزان موفق با پایگاه اجتماعی-اقتصادی ضعیف چگونه مسیر موفقیت را طی کرده‌اند. این مسئله به این دلیل برای مطالعه انتخاب شد که اغلب تحقیقات قبلی، نشان داده‌اند که موفقیت تحصیلی با پایگاه اجتماعی-اقتصادی در رابطه است به طوری که دانش‌آموزانی که پایگاه اجتماعی-اقتصادی ضعیف‌تری دارند، کمتر موفق‌اند و برعکس، دانش‌آموزان موفق، کسانی هستند که پایگاه اجتماعی-اقتصادی بالاتری دارند. البته در این بین همواره استثنائاتی وجود داشته است. به طوری که برخی از محققان، موفقیت‌های چشمگیر را خاص دانش‌آموزان با پایگاه اجتماعی و اقتصادی ضعیف دانسته‌اند. بنابراین انجام این پژوهش می‌تواند نشان دهد که مسئله مذکور چگونه حل می‌شود و دانش‌آموزان با پایگاه اجتماعی-اقتصادی ضعیف، چگونه مسیر موفقیت تحصیلی را طی می‌کنند و برخلاف دیدگاه اغلب نظریه‌پردازان عمل می‌کنند. آنچه پاسخگویان در این رابطه عنوان کرده‌اند حاکی از آن بوده است که آنها دشواری‌های زیادی را در این مسیر پیموده‌اند. به طوری که گاهی از مسیر انتخابی، پشیمان می‌شده‌اند. برخی از پاسخگویان حتی به انجام کار در زمان تحصیل اشاره کرده‌اند و برخی، خودکشی را تنها راه برای خلاص شدن از این وضعیت دیده‌اند. با این وجود، به نظر می‌رسد که بخش تجربیات ذهنی مثبت، همان‌گونه که پاسخگویان اشاره کرده‌اند، موجب تشویق آنها به سمت ادامه تحصیل می‌شده است. همچنین پاسخگویان دیگر به سربار بودن، وضع ضعیف مالی، انتظارات بالا و ... اشاره کرده‌اند که این مسئله میان دختران و پسران تفاوت‌هایی را نشان می‌دهد. در واقع پسران بیشتر به کار بیرون یا ترس از خدمت رفتن اشاره کرده‌اند در حالی که دختران به کنایه‌هایی که دیگران و اطرافیان به آنها می‌زده‌اند اشاره نموده‌اند. هر دو گروه نیز به صورت مشترک، به دشواری کنکور پرداخته‌اند و آن را به عنوان یک معضل معرفی کرده‌اند. به لحاظ سنی نیز پاسخگویان با سنین بالاتر، دیدگاه منفی‌تری را نسبت به کنکور ابراز کرده‌اند در حالی که میزان و سطح امید دانش‌آموزان با سنین کمتر، بیشتر بوده است. این نتایج با یافته‌های برخی از تحقیقاتی که تاکنون در این زمینه انجام شده‌اند همراستا است. مثلاً نتیجه تحقیق محمدی و همکاران (۱۳۹۸) نشان داده که دانشجویان با پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی بالا، از برخورداری از آرامش کامل و فضای خصوصی برای خواندن، داشتن معلم خصوصی، تامین مالی توسط خانواده، حمایت‌های بلندمدت خانواده به لحاظ مادی و عاطفی، رسیدگی به خواسته‌ها و نیازهای دانش‌آموز و ... سخن گفته‌اند در حالی که دانش‌آموزان با پایگاه‌های اقتصادی-اجتماعی ضعیف از خواندن و مطالعه در فضاهای عمومی، ارتباطات گسترده با همکلاسی‌ها برای رفع اشکالات درسی، گاهی کار کردن به همراه درس خواندن برای تامین مالی، دریافت حمایت عاطفی از سوی خانواده و ... صحبت کرده‌اند. محققان نتیجه می‌گیرند که زمان پیش از موفقیت دانش‌آموزان با دشواری‌های نسبتاً گسترده همراه بوده است؛ به گونه‌ای که دانش‌آموزان گفته‌اند حاضر به بازگشت و تجربه شرایط پیش از موفقیت تحصیلی خود نیستند. در حالی که دانش‌آموزانی که پایگاه‌های بالایی داشته‌اند، در زمان مصاحبه، درک مثبتی را از تجربه پیشین خویش نشان می‌دهند. به این ترتیب براساس تحقیقات قبلی نیز یافته‌های پژوهش حاضر تأیید می‌شوند؛ با این تفاوت که اغلب مولفه‌های تحقیقات قبلی، به صورت کمی استخراج شده‌اند و جنبه تحلیلی ندارند در حالی که مولفه‌های تحقیق حاضر کیفی بوده و قابلیت کاربرد در مدل را دارند.

## منابع و مأخذ

- صالحی، رضوان؛ عابدی، محمدرضا و نیل‌فروشان، پریسا (۱۳۹۸). تدوین مدل مفهومی موفقیت تحصیلی: یک مطالعه کیفی، نشریه فرهنگ مشاوره و روان‌درمان، سال دهم، شماره ۳۸.
- علاقه‌مند، علی (۱۳۹۵). *روان‌شناسی آموزش و پرورش*، (ویرایش چهارم)، چاپ هجدهم، تهران: انتشارات نشر روان.
- عینی‌پور، جواد و شباهنگ، نیلوفر (۱۳۹۷). تجارب زیسته مادران از والدگری موفق در تحصیل: مطالعه پدیدارشناختی، نشریه سلامت روانی کودک، دوره پنجم، شماره ۴ (پیاپی ۱۷).
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۲). *جامعه‌شناسی*، ترجمه منوچهر صبوری، چاپ نهم، تهران: نشر نی.
- لگال، آندره (۲۰۱۹). *شکست‌های تحصیلی: شناخت و جبران*. ترجمه محمدرضا شجاع رضوی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- محمدی، میثم (۱۳۹۸). *مطالعه تجربه زیسته دانش‌آموزان موفق در آزمون‌های سراسری سال‌های ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۸*، پایان نامه دکترای دانشگاه تهران، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران.
- Bidwell, Charles E. & Noah, E. Friedkin. (2014). "The sociology of Education" in Handbook of sociology edited by Neil j. smelser. Newbury Park, California: sage publication, Inc.
- Foker, L. (2020). Sex differences in the development of talent. *Women and the mathematical mystique*. Baltimore, MD: Johns Hopkins.
- Gardon, L. (2020). "Social impacts of electronic mail in organizations: a review of research Literature", in communication Yearbook vol.18, 441.
- Gobena, Gemechu Abera (2018). *Family Socio-economic Status Effect on Students' Academic Achievement at College of Education and Behavioral Sciences, Haramaya University, Eastern Ethiopia*, **Journal of Teacher Education and Educators, 4 (2): 207-222.**
- Haralambos, Mike, & Martin Holborn. (2008). *Sociology: Themes and perspectives*. London: Harper Collins publishers.
- Huang, lihong. (2008). "Social capital and school achievement in Norwegian secondary schools".
- Keyford, H. S (2019). *Retention and student success in higher education*. UK: McGraw- Hill Education.
- Bhat, H. S (2016). Effect of Socio Economic Status on Academic Performance of Secondary School Students. *The International Journal of Indian Psychology*, 3 (4): 32-37.
- White, P., Mcteer, W. (2012). "Socioeconomic status sport participation at different Developmental stages During childhood and youth: Multivariate analyses using Canadian national survey Data", *sociology of sport Journal*, vol 29, 186-209.
- Axo, E., Drma, N, (2019). "Determinants of sport participation among Canadian adolescents", *sport management Review*, vol 11, 277-307.
- Salvisano, P., (2020). "How can the social theory of Bourdieu assist sport management research", *sport management Review*, vol 16, 123-134.
- Webler, N. (2018). "Sport participation across national contexts: A multilevel investigation of individual and systemic influences on Adult sport participation", *European sport management Quarterly*, vol. 11, no 3, 197-224.